

روضه و نذری جامه ی مشکی
در عزای تو می برآزد حسین!
ثروت اشک و دولت گریه
بر گدای تو می برآزد حسین!

نام تو آمد نوشتن ساده شد
نوحه های نوحه خوان آماده شد
باز هم با «نون» نامت از قلم
شعر نو ، مضمون تازه زاده شد
این همه تعبیر ، شعر پُر تصویر
نوحه و مویه ، سینه و زنجیر
در عزای تو می برآزد حسین!

السلام ای داغ در دل ماندگار
ای عزای تا قیامت برقرار
بویی از ماه محرم می کشد
کودک و پیر و جوان را پای کار
گریه ی شمعی زیر شیدانه
با رقیه در کنج ویرانه
در عزای تو می برآزد حسین

ای بهشتی که نصیب کربلاست
عطرِ چایِ روزه هایت از کجاست
نوحه ات با هر گلویی دلنشین
نام تو با هر صدایی دلرباست

از دل و چشمِ این عزاداران
ناله چون آتش، گریه چون باران
در عزای تو می برازد حسین!

از دل عاشق گواه آورده ایم
شاهد ترک گناه آورده ایم
ما به این مقتل پناهنده شدیم
با تو ما خود را به راه آورده ایم
مجلس و روزه ، گریه و ندبه
وعده ی دیدار ، هر شب جمعه
در عزای تو می برازد حسین!

کربلا شور و شعورم داده است
دفع نارم کرده ، نورم داده است
کربلا بی ادعا کرده مرا

از منییت ها عبورم داده است
روضه ی اکبر، روضه ی عباس
نذری ما با عطری از اخلاص
در عزای تو می برازد حسین

رخصتم مولا بده خدمت کنم
خدمتِ این خانه بی منت کنم
هر چه دارم با غمت قسمت کنم
قلبی خود را بانی هیأت کنم
ای شهیدی که کشته ی اشکی
چشمه ی اشک و جامه ی مشکی
در عزای تو می برازد حسین!

نوحِ غم ای موجِ بی دریا حسین
آیه ی یاسینِ بی سر یا حسین
روزِ محشر بر سرِ ما سایه کن
رکعتی از یک نمازت را حسین
بر امام عشق ، اقتدای ما
با نمازی در ظهرِ عاشورا
در عزای تو می برازد حسین !

بی ریا باید برایت سینه زد
رو به روی کربلا آینه زد
قطره های اشکِ ما چون گوهرند
باید از این گریه ها گنجینه زد

تکیه و مسجد واعظ و منبر
مستی دور از باده و ساغر
در عزای تو می برازد حسین

در هوای روضه عاشق تر شدیم
با زبان گریه صادق تر شدیم
ای تولای دل و مولای عشق
بندگی را با تو لایق تر شدیم

این همه جان از جهان رسته
پرده و پرچم ، هیئت و دسته
در عزای تو می برازد حسین!

باید از نو چشم دل را تر کنیم
چون ابا صالح تو را باور کنیم
آمدیم از « الذین ءامنوا »

تا عمل را با تو صالح تر کنیم

نوحه و شعرِ زخمی احساس
زاده ی حیدر ، وارثِ عباس
در عزای تو می برآزد حسین!

شاعر اهل بیت (ع) : حسین بادروچ